



تیتراژ امروز

با حمله موشکی به اردوگاه لیبرتی در عراق، ده‌ها تروریست گروهک رجوی به هلاکت رسیدند

آتش مختار به جان منافقین

حسین ابریشمی (برادر مهدی ابریشمی) شکنجه‌گر معروف و از سران منافقین شکار بزرگ حمله جیش‌المختار به لیبرتی است



پرسپولیسی در آخرین ثانیه‌ها از شکست گریخت

تساوی دراماتیک

کی‌روش: بهترین داری‌ای بود که در ایران دیدم برانکو: هر دو تیم تا ثانیه‌های آخر جنگیدند مظلومی: دفاع ما طبیعی بود



۷ کشته، یک مفقود و صدها میلیارد تومان خسارت بارندگی در استان‌های غربی کشور با وجود پیش‌بینی قبلی

سیل تدبیر را برد!



تکس، ناصر گل‌نظر، نسیم

فشار انتظامی علیه استقلال مطبوعات

سیدعابدین نورالدینی



۱- وقتی معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد - که در واقع وکیل مدافع دولت در هیات نظارت بر مطبوعات است - عزم گرفتن کرسی وکیل اهالی رسانه در این هیات را کرد، این هشدار داده شد که مطبوعات و رسانه‌ها فارغ از دیدگاه‌های سیاسی، مصالح صنفی را پای منافع مادی ذبح نکنند و صندلی وکالت اهالی رسانه در هیات نظارت را به نماینده دولت ندهند! اما به هر حال به دلیل ساختار فشل صنفی و نبود یک سیستم منطقی و عالمانه نظارت برای تصمیم‌گیری صنفی، به همان دلیلی که همه ما رسانه‌های می‌دانیم، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد، یعنی کسی که مسؤول توزیع یارانه مطبوعات و خبرگزاری‌هاست، به عنوان نماینده اهالی رسانه در هیات نظارت بر مطبوعات انتخاب شد!

اگر روزگاری شرایطی فراهم شود تا وضعیت دریافت یارانه نقدی رسانه‌هایی که به آقای حسین انتظامی رای داده‌اند در دولت یازدهم بررسی شود، آنگاه می‌توان با صراحت بیشتری درباره موضوع صحبت کرد. به هر حال اکنون با زیاده‌طلبی آقای انتظامی و به دلیل نبود ساختار و سیستم قانونمند صنفی، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد یعنی وکیل دولت در هیات نظارت بر مطبوعات، هم‌زمان وکیل اهالی رسانه در این هیات نیز هست!

۲- رفتار آقای انتظامی از ابتدای تصدی معاونت مطبوعاتی تاکنون شائبه‌های بسیار خطرناکی در میان اهالی رسانه ایجاد کرده و متأسفانه به مرور قوانین و فرمول‌هایی در این معاونت تصویب شد که بدون تردید اولین هزینه و تبعات آن، محدودیت رسانه‌ها و گنجاندن اهرم‌های فشار برای تضعیف رسانه‌های غیرمسهوبادولت مستقر است. در همین دوران و با برنامه‌ریزی‌های وی، فرمول پرداخت یارانه مطبوعات و خبرگزاری‌ها تغییر کرد. بر این اساس مصوبه‌ای با عنوان «دستورالعمل یارانه مطبوعات» ابلاغ شد که یک دستورالعمل ناقص، پراپاد و البته مستعد سوءاستفاده است. به عنوان نمونه در بخشی از این دستورالعمل آمده است: «به ازای هر تذکره کتبی هیات نظارت بر مطبوعات در طول همان دوره تخصص یارانه ۱۰ درصد از ضریب حمایتی کسر می‌شود». در واقع این دستورالعمل یک سیاست تبعیضی برای اهالی رسانه است که قاعداً توهین آمیز و نشان‌دهنده نگاه سطحی به تکالیف و ماهیت رسانه است!

فعلی‌بیشترین انتقادات نشریات و رسانه‌ها در شرایط فعلی به دولت و ارگان‌های دولتی است و به همین دلیل، قاعداً بیشترین تذکرات نیز به رسانه‌ها و مطبوعات منتقد دولت داده می‌شود. با توجه به همین بدیهیات، این دستورالعمل دولتی یک اهرم فشار به نشریات و رسانه‌های منتقد دولت تلقی می‌شود. از سوی دیگر این سیاست تبعیضی در حالی است که همین دستورالعمل یارانه مطبوعات که مشخص نیست براساس کدام اصول پذیرفته‌شده صنفی انشا شده است، باعث افت شدید یارانه مطبوعات منتقد دولت شده است! این سیاست تبعیضی و همچنین افت شدید یارانه رسانه‌های منتقد وقتی در مقابل فرمول دریافت یارانه رسانه‌های نزدیک به آقای انتظامی قرار داده می‌شود، ماهیت چنین دستورالعمل‌هایی آشکارتر می‌شود. آقای حسین انتظامی براساس آگهی رسمی ثبت شرکت «توسعه مکتب خبر ایرانیان» مدیرعامل و عضو هیات مدیره این شرکت بوده است و براساس دستورالعمل وی در معاونت مطبوعاتی، رسانه‌های وابسته به این شرکت، یعنی روزنامه خبر ورزشی، روزنامه خبر جنوب و سایت خبر آنلاین در هر دوره پرداخت یارانه - دوره ۶ ماهه - در مجموع بیش از یک میلیارد تومان یارانه گرفته‌اند! در رتبه‌بندی دریافت یارانه مطبوعات، ۲ روزنامه وابسته به شرکت توسعه مکتب خبر ایرانیان در رتبه‌های ۲ و ۳ قرار دارند! روزنامه خبر ورزشی با ۵۳۲ میلیون تومان و روزنامه خبر جنوب با ۴۸۰ میلیون تومان در رتبه‌های ۲ و ۳ دریافت یارانه قرار دارند! جالب اینکه رتبه اول نیز به روزنامه‌های اختصاص دارد که در تهیه و تصویب دستورالعمل یارانه مطبوعات در معاونت آقای انتظامی، نقش ویژه‌ای داشته است! این ارقام فقط یارانه این روزنامه‌ها در ۳ ماهه اول سال ۹۳ است!

ادامه در صفحه ۵

همبرگر با سس اورانیوم، نوشابه با طعم آب سنگین

سعید ملکی

چند روز پس از توافق ۲۳ تیرماه نمایندگان دولت یازدهم و کشورهای عضو گروه ۵+۱ در وین روی متن برنامه جامع اقدام مشترک یا همان برجام، در استیلای آمریکا پیدا کرده است. در کشورهایی نظیر چین و روسیه به‌رغم تعهدات مربوط به تجارت جهانی نگاه‌های سختگیرانه‌ای به گسترش و فعالیت شرکت‌های اینچینی و روندهایی با عنوان «مک دونالدیسم» یا «کوکاکولایزشن» اعمال می‌شود. چنین روندهایی را می‌توان به نوعی تأییدکننده نظریه‌ای دانست که «آنتونیو گرامشی» اندیشمند ایتالیایی ضدسرمایه‌داری معاصر برای تشریح فرآیند استیلای کاپیتالیسم بر کشورها و جهان مطرح کرده است. گرامشی با رهیافتی فرهنگی و نگرشی ایدئولوژیک به این فرآیند، نگاه مارکسیست‌های اولیه در زمینه نقش زینبانی اقتصاد در مولفه‌های سیاسی، فرهنگی و امنیتی را رد کرده و به عناصر نفوذفرهنگی در شکل‌گیری هژمونی یا همان استیلا، برجستگی داده است.

آمریکایی‌ها خود معتقدند در کنار «سیاست‌تورزی»، «ظلمی‌گری» و «توسعه‌طلبی اقتصادی»، به مقوله «فرهنگ» به عنوان اهرمی قوی برای برتری جویی و جهان‌خواری می‌نگرند و از این رو پدیده‌ای نظیر مک‌دونالدیسم و گسترش آن فقط از منظر منافع اقتصادی آن برای آمریکایی‌ها اهمیت ندارد بلکه ابزاری برای کنار زدن فرهنگ بومی کشورهای هدف و نهادینه‌سازی «سبک زندگی آمریکایی» به شمار می‌رود.

به‌رغم آشکار بودن اهداف و اغراض آمریکایی‌ها در زمینه‌هایی چون مک‌دونالدیسم و واکنش‌های بین‌المللی به آن، برخی ذوقزده از حضور «عالیجناب!» مک‌دونالد» در ایران، آن را نشانه پیشرفت در عرصه ارتباطات بین‌المللی و توسعه می‌دانند! گویی طی این سال‌ها مشکل اصلی کشور بی‌په‌ری مردم از سان‌دویچ‌های آمریکایی بوده است! اینان در پی ماه‌ها مذاکرات ملال‌آور هسته‌ای و انکار یک دهه دستاوردهای علمی کشور که زیر بار تحریم‌های سنگین اقتصادی و حتی سایه تهدیدهای نظامی به دست آمده، راه‌اندازی شعبه‌های مک‌دونالد را جشن می‌گیرند؛ جشنی که پذیرایی در آن با همبرگرهایی با سس اورانیوم و نوشابه‌هایی با طعم آب سنگین صورت خواهد گرفت.

با توجه به این دستاورد بزرگ مذاکرات هسته‌ای! (بد نیست بدانیم مک‌دونالد دارنده بزرگ‌ترین فروشگاه‌های زنجیره‌ای فست‌فود یا غذایی آماده در جهان است؛ غذاهایی که سالانه میلیون‌ها تن را در سراسر جهان به کام مرگ می‌فرستد. سازمان بهداشت جهانی از ۷ میلیون نفری قربانیان سرطان در جهان در سال ۲۰۱۳ خبر داده که دومین عامل مرگ و میر آنها فست‌فود است. با توجه به سهم بزرگ «مک‌دونالد» در بازار جهانی می‌توان گفت «ساندویچ آمریکایی» آششمن برند تجاری شناخته‌شده دنیا! کم از کمپانی‌های اسلحه‌سازی یانکی‌ها قربانی نمی‌گرد.

آسیب‌هایی که مک‌دونالد برای سلامت جهانیان به دنبال داشته، در کنار چالش‌های زیست‌محیطی و حتی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی که بحث مفصلی را می‌طلبد تا به آن حد رسید که ۱۶ اکتبر از سوی مترضان در سراسر جهان به عنوان «روز جهانی ضدمک‌دونالد» نامیده شد. مک‌دونالد که در نزدیک به ۱۲۰ کشور، روزانه معده حدود ۷۰ میلیون نفر - به اندازه جمعیت یک کشور - را از چیزی شبیه به بمب ساعتی انباشته می‌کند اکنون در راه ایران است تا رسماً فعالیت خود را آغاز کند.

این البته همه ماجرا نیست. مدت‌هاست محصولات برندهای آمریکایی چون مک‌دونالد و «کوکاکولا» نماد ترویج سبک زندگی آمریکایی و به دنبال آن زمینه نفوذ و استیلای همه‌جانبه آمریکایی بی‌اخلاق شوی!

ای مردم بی‌اخلاق شوید!

محمدرضا کردلو

می‌گویند چون ممکن است حرف سیاسی در مجلس عزاداری با بی‌اخلاقی به یکی از مسؤولان صاحب‌نفس تهران، یک روز بر منبر یکی از مساجد بنام تهران به مردم خطاب کرد: «ای مردم مُشرک شوید!» مردم که از این کلام عالم جلیل‌الرتبه متعجب شده بودند همه‌همه کردند. در محل سخنرانی سر و صدا شد و سخنران دوباره تکرار کرد: «مردم مُشرک شوید. فردا دو بیابید؛ بقیه این خطبه‌ام را فردا خواهم خواند». اینها را گفت و از منبر پایین آمد. فردای آن روز مردم همه از اطراف و اکناف خودشان را به مسجد رساندند. کوجهای منتهی به مسجد جای سوزن انداختن نبود. پشت‌بام مسجد و پشت‌بام‌های اطراف هم پر از اهالی کوچک نامی شهر و معلم برجسته اخلاق را گوش کنند. استاد اخلاق بالای منبر رفت. بعد از بسم‌الله گفت: «ای مردم مُشرک شوید ولی کمی هم خدا را در کارهای‌تان شریک کنید؛ ضرر نخواهد کرد.» مردم که فهمیده بودند منظور این عارف بزرگوار چیست، از سر نفس عالم عامل‌شان، های‌های شروع کردند به گریه و زاری. صدا از مسجد بلند شد. مایه برکتی شده بود این سخنرانی. عالم شهر با عباراتی که بر زبان آورده بود، به مردم یادآوری کرده بود «خدا را هم در نظر بگیرید» چون خیلی وقت‌ها خیلی‌ها شهادت می‌دهند به یگانگی خداوند اما خدا را در نظر نمی‌گیرند. گره خیلی از کارها همین جاست.

نگاه

معروف است سالیان سال قبل از این، یکی از عرفای صاحب‌نفس تهران، یک روز بر منبر یکی از مساجد بنام تهران به مردم خطاب کرد: «ای مردم مُشرک شوید!» مردم که از این کلام عالم جلیل‌الرتبه متعجب شده بودند همه‌همه کردند. در محل سخنرانی سر و صدا شد و سخنران دوباره تکرار کرد: «مردم مُشرک شوید. فردا دو بیابید؛ بقیه این خطبه‌ام را فردا خواهم خواند». اینها را گفت و از منبر پایین آمد. فردای آن روز مردم همه از اطراف و اکناف خودشان را به مسجد رساندند. کوجهای منتهی به مسجد جای سوزن انداختن نبود. پشت‌بام مسجد و پشت‌بام‌های اطراف هم پر از اهالی کوچک نامی شهر و معلم برجسته اخلاق را گوش کنند. استاد اخلاق بالای منبر رفت. بعد از بسم‌الله گفت: «ای مردم مُشرک شوید ولی کمی هم خدا را در کارهای‌تان شریک کنید؛ ضرر نخواهد کرد.» مردم که فهمیده بودند منظور این عارف بزرگوار چیست، از سر نفس عالم عامل‌شان، های‌های شروع کردند به گریه و زاری. صدا از مسجد بلند شد. مایه برکتی شده بود این سخنرانی. عالم شهر با عباراتی که بر زبان آورده بود، به مردم یادآوری کرده بود «خدا را هم در نظر بگیرید» چون خیلی وقت‌ها خیلی‌ها شهادت می‌دهند به یگانگی خداوند اما خدا را در نظر نمی‌گیرند. گره خیلی از کارها همین جاست.

حالا هم در میانه این غوغای سیاسی، خیلی‌ها ادعای اخلاقی دارند. اما کدامیک راست می‌گویند؟ معیار اخلاقی مداری چیست؟ اخلاق که نسبی نیست، بگویم هم «الف» راست می‌گوید و هم «ب». پس چه کنیم؟ این روزها ادعای اخلاق چمق‌اش شده است روی سر اصول دیگر. مثلاً تا می‌خواهی از فلان سیاست فلان مسؤول محترم انتقاد کنی، می‌گویند: «بیادای زگی بالای چشم فلانی ابروست، ایشان انسان بااخلاقی هستند» یا وقتی می‌خواهی به کسی که می‌داند دیگری اشتباهش را بفهمانی منت می‌کنند که می‌داند با فلافی طوری حرف بزنی که بی‌اخلاقی شوی! حتی بعضی وقت‌ها که می‌خواهی درباره‌ی چربی «بداخلاقی» مسؤول محترم حرف بزنی، خود «خلاق» را چمق می‌کنند! خب اگر قرار باشد جواب «بداخلاقی» را ندهی یا به مسؤول «بی‌اخلاقی» نفهمی که «بی‌اخلاقی» کرده است، خود این زیر پا گذاشتن «خلاق» نیست؟ «خلاق» و «بداخلاقی» چطور باهم جمع می‌شوند؟ جمع ضدین چگونه ممکن است؟ آخرالزمان است دیگر، اخلاق را چمق می‌کنند برای ذدن دین. این روزها حرف‌های عجیب‌تری هم از آدم‌هایی که انتظارش را نداریم می‌شنویم.

پاورچین

نفوذ بومی!

حسن عباسی: مساله نفوذ غالباً با مساله رخنه اشتباه گرفته می‌شود. وازه نفوذ یک مفهوم نظامی است که در تاکتیک نظامی بین ۲ مفهوم «رخنه» و «نفوذ» طبیعتاً یک تمایز جدی وجود دارد. رخنه مستمر اتفاق می‌افتد اما نفوذ نقطه‌ای و موضعی است. غالباً رخنه توسط واحدهای ارتش نظامی کلاسیک در خط مقدم اعمال می‌شود اما نفوذ توسط نیروهای ویژه در عمق مواضع کشور دشمن اعمال می‌شود. از این منظر وقتی از نفوذ نام می‌آید نفوذ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... سخن به میان می‌آید منظور این است که عناصری از فکر و فرهنگ و اعتقاد اقتصاد کشور دشمن در عقبه مواضع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و نظامی خودی نفوذ کرده‌اند. درست مثل اینکه یک واحد چترباز دشمن - یک واحد نیروهای ویژه- به عمق یکی از مراکز استان‌های ما نفوذ و تا آنجا پیش روی کند و یک عملیاتی انجام دهد و بخواهد بازگردد، این اقدام به شکل نفوذ هیچ اتصالی به مرز ندارد. یعنی یکسره پیوستگی ندارد، بلکه با یک فاصله و عمقی انجام می‌شود. ضربه‌ای می‌زند و بازمی‌گردد. در نفوذهای مدنی به‌وجودبیاید، جاسوسی مثل «کیان تاجبخش»، «هاله اسفندباری» یا افرادی مثل «امین جهانبگلو» را می‌فرستدند تا در اینجا در مباحثی در حیطه نهادسازی و ایجاد نهادهای مدنی کار کنند که می‌دانید بعداً وزارت اطلاعات اینجا را دستگیر کرد و سیستم‌شان متلاشی شد. یک وقت همان فعالیت‌ها در اینجا توسط بعضی نهادهای بومی شده و توسط افرادی که به بعضی مسؤولان وابستگی دارند انجام می‌شود. اینجا دیگر صحبت از ضریب نفوذ است. بر اساس آنچه گفته شد نفوذ در نهادهای تصمیم‌ساز یا نهادهای تصمیم‌گیر هم به همین نسبت است. یعنی شما می‌بینید در بعضی مراکز تحقیقات استراتژیک کلان کشور افرادی که مدام یک پای آنها در اجلاس داووس است و پای دیگرشان در دانشگاه‌های آمریکا و سر و سری در محافل مختلف آکادمیک و حوزه‌های مختلف تصمیم‌سازی غرب دارند، حضور دارند. از این منظر مفهوم «نفوذ بومی‌شده» یا «ضریب نفوذ» شناختش بسیار مهم است. بر همین اساس معتقد امروز نفوذ را نه به عنوان نفوذی که انگار دارد از بیرون می‌آید، بلکه نفوذی که در قالب ضریب نفوذ به نتیجه نشسته باید بررسی کرد.